

بسم الله الرحمن الرحيم

1399/12/20

موضوع: عزیزان جوان! تا دیر نشده، بار و بُنه را بسازید!

درس اخلاق

فهرست مطالب این برنامه:

هدف اصلی از خلقت و شریعت این است!

از نگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) افضل الناس چه کسی است؟!

اصلی ترین راه رسیدن به مقام معرفت الهی!

اوصاف مردان خدا و سالکین الی الله در بیان امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

چرا این آیه در قرآن زیاد تکرار شده است؟!

چگونه به ملاقات روحی و معنوی امام زمان (سلام الله علیه) برسیم؟!

عنایت ویژه امام رضا (سلام الله علیه) که نصیب «احمد بن أبی نصر بزنطی» شد!

عزیزان جوان! تا دیر نشده، بار و بنه را بسازید

قرائت قرآن توسط امیرالمؤمنین در حین تولد؛ ده سال قبل از نزول قرآن!

دلیل مخالفت و دشمنی با حضرت ابوطالب (علیه السلام) چیست؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

ما تلاش می‌کنیم نیم ساعتی صحبت کنیم سپس اگر دوستان، اساتید بزرگوار و عزیزان طلبه سؤالی دارند مطرح کنند و ما هم به حول قوه الهی در حد توانمان در خدمت این عزیزان هستیم.

شاید بعضی از عزیزان سؤالات اخلاقی و اعتقادی داشته باشند و این فرصت خوبی است که ما در خدمت دوستان باشیم.

هدف اصلی از خلقت و شریعت این است!

ما در جلسات گذشته عرض کردیم هدف از شرایع، اعم از واجبات و محرمات و مستحبات و مکروهات این است که بشر به مراتب بالای صبغة اللهی برسد و بالاترین مرتبه کمال و بالاترین قله سعادت را کسب کند.

هدف اصلی از خلقت و شریعت این است، به طوری که خداوند عالم هم در قرآن کریم می‌فرماید:

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)

من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این طریق تکامل یابند و به من نزدیک شوند).

سوره ذاریات (51): آیه 56

حال (لِيَعْبُدُونِ) را به صورت ظاهری معنا کنیم یا «يعرفون» معنا کنیم. اگر به صورت (لِيَعْبُدُونِ) معنا کنیم هم صحیح است، به طوری که قرآن کریم می‌فرماید: ما بشر را خلق نکردیم، مگر برای عبادت!

مراد از عبادت قطعاً نماز و روزه و حج و دیگر واجبات نیست. همانطور که قبلاً هم اشاره شد، مراد از عبادت این است که تمام کارهای ما برای خداوند متعال باشد.

(إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)

نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است.

سوره انعام (2): آیه 162

حتی خوردن ما هم به خاطر لذت خوردن نباشد، بلکه به این نیت که نیرو بگیریم تا خدا را عبادت کنیم و به تکالیفمان عمل کنیم. اگر می‌خواهیم برای خدا باشد، اگر راه می‌رویم برای خداوند باشد، اگر می‌نشینیم برای خداوند باشد.

طوری باشد که تمام زندگی ما رنگ الهی بگیرد. اگر این چنین شد، **(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)** در سایه عبادت انسان قله‌های سعادت و کمالات را درک می‌کند.

شاید اولی باشد که بگوییم مراد از **(لِيَعْبُدُونِ)**، «يعرفون» هست، به این معنا که ما بشر را خلق کردیم برای اینکه خودمان را به آنها بشناسانیم و آنها ما را بشناسند. حدیث مشهور قدسی است که می‌فرماید:

«كنت كنزا مخفيا فأحببت أن أعرف فخلقت الخلق لكي أعرف»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 84،

ص 344، ح 19

مراد «معرفة الله» است. هرچه معرفت انسان به خداوند عالم به اسماء و صفات و افعال الهی و بیشتر باشد، قطعاً مقاماتش بالاتر است.

از نگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) افضل الناس چه کسی است؟!

همانطور که در روایات خواندیم که راوی می‌گوید خدمت رسول گرامی اسلام عرض کردم: یا رسول الله! شنیدیم حضرت عیسی و حواریون بر روی آب راه می‌رفتند. پیغمبر اکرم فرمود: اگر معرفتشان از من بالاتر بود، روی هوا راه می‌رفتند.

روزی رسول گرامی اسلام در جمع صحابه فرمودند: افضل الناس چه کسی است؟! شخصی گفت: کسی که زیاد نماز بخواند. حضرت فرمود: خیر.

شخصی گفت: کسی که زیاد روزه بگیرد. شخص دیگری گفت: کسی که زیاد حج برود. شخصی گفت: کسی که زیاد زکات بدهد. صحابه عرضه داشتند: یا رسول الله! پس افضل الناس چه کسی است؟! پیغمبر اکرم فرمود:

«وَأَفْضَلُكُمْ أَفْضَلُكُمْ مَعْرِفَةً»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 3، ص 14، ح 38

هرچه معرفت انسان به خداوند عالم بیشتر باشد، افضل است و مقامات بالاتری دارد. وقتی معرفت بالا رفت، همان تعبیر امیرالمؤمنین است که می‌فرمایند:

«ما رأيت شيئاً إلا و رأيت الله قبله أو بعده أو معه»

من چیزی در دنیا ندیدم مگر اینکه قبل از او و بعد از او و با او خدا را دیدم.

مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، ج 10، ص 391، ح 8

قرآن کریم هم در این خصوص می‌فرماید:

(فَأَيْنَمَا تُولُو فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ)

و به هر سو رو کنید، خدا آنجا است.

سوره بقره (2): آیه 115

در این صورت انسان تمام عالم هستی را آئینه تمام نمای اسما و صفات به حق می‌بیند و خودش را هم اسماء الله می‌بیند و تصرفاتش را هم تصرفات الهی می‌بیند.

(وَ اللَّهُ خَلَقَكُمْ وَ مَا تَعْمَلُونَ)

با اینکه خداوند هم شما را آفریده و هم بتهایی را که می‌سازید!

سوره صافات (37): آیه 96

همه چیز متعلق به خداوند متعال است.

(مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ)

آنچه از نیکیها به تو می‌رسد از ناحیه خدا است و آنچه از بدی به تو می‌رسد از ناحیه خود تو است.

(قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ)

بگو همه اینها از ناحیه خدا است.

سوره نساء (4): آیات 78 و 79

به تعبیر «شهید مطهری» خداوند متعال یک ذره به ما اراده داده است.

اینکه گویم این کنم یا آن کنم

این دلیل اختیار است ای صنم

برای اینکه تکلیف درست شود و خداوند بهشتیان را به بهشت ببرد و دلیل و بهانه‌ای داشته باشد که خداوند ذره‌ای اراده به او داده است که این کند یا آن کند، رفتن بهشتیان به بهشت درست می‌شود و رفتن جهنمیان به جهنم هم درست می‌شود.

اصلی‌ترین راه رسیدن به مقام معرفت الهی!

در جلسه گذشته عرض کردیم که یکی از راه‌های رسیدن به معرفت الله و کمالات و مرحله‌ای که انسان تمام اعمال و رفتار و کردارش بالله رب العالمین باشد. این چیزی نیست که انسان برود از مغازه بخرد یا کنار جوی آب ریخته باشد انسان جمع کند.

این‌ها خلاصه یک سری لوازمی دارد. همانطور که وقتی ما گرسنه هستیم، هرچه بخواهیم هوا بخوریم با هوا خوردن رفع گرسنگی نمی‌شود. وقتی تشنه هستیم هرچه بخواهیم هوا بخوریم رفع تشنگی نمی‌شود.

سنت الهی بر این برقرار شده است که رفع گرسنگی با خوردن غذا باشد و رفع تشنگی با خوردن آب باشد.

سنت الهی بر این تعلق گرفته است که برای رسیدن به آن مقامات عالی یک سری لوازم و اسبابی هست.

عرض کردیم یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین چیزی که در رسیدن به آن مراتب بالا و کمالات لایق بشری هست، ترک گناه و معصیت و مکروهات و مباحات است. این در حقیقت قدم اول هست. البته قدم‌های زیادی هست.

به تعبیر «خواجه عبدالله انصاری» انسان باید صد منزل طی کند تا به مقالات بالا برسد و به قدری پشت در بماند و گریه و زاری کند تا روزی در را رویش باز کنند.

«مرحوم قاضی» دارای چشم برزخی و ولایت تکوینی بود. «مرحوم طباطبایی» هم در لابلائی کتاب «تفسیر المیزان» تکه‌هایی از ایشان نقل می‌کند بدون اینکه نام ببرد.

نقل شده است بعضی از شاگردان ایشان که ریاضت می‌کشیدند و کارهایی انجام می‌دادند تا درهای عالم برزخ به رویشان باز شود به همین خاطر بعضی از آنها خسته می‌شدند.

«مرحوم قاضی» برای دلداری شاگردان خود می‌فرمودند: من چهل سال تلاش کردم و در را کوبیدم تا در را به رویم باز کردند.

بنابراین رسیدن به این مراحل به این سادگی‌ها نیست. قدم اول این است که ما از کسانی که دست و پای ما را می‌گیرند و سبب زنجیر شدن دست و پای ما در این عالم خاکی می‌شود را از خودمان دور کنیم و این زنجیرها را پاره کنیم و از قید نفسیت بیرون بیاییم.

اوصاف مردان خدا و سالکین الی الله در بیان امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در خطبه 220 «نهج البلاغه» در اوصاف مردان خدا و سالکین الی الله می‌فرماید:

«قَدْ أَحْيَا عَقْلَهُ وَ أَمَاتَ نَفْسَهُ»

عقل خود را احیا کند و نفس خود را هم بکشد.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 337، خ

220

روی «أَمَاتَ نَفْسَهُ» خیلی حرف وجود دارد. اگر ما بخواهیم صحبت کنیم، شاید با بیست یا سی جلسه هم نتوان حق مطلب را ادا کرد. در این زمینه مطلب‌های زیادی وجود دارد و نکات ظریفی دارد.

اگر کسی به «أَمَاتَ نَفْسَهُ» رسید، یعنی خود را ندید. در این زمینه همان تعبیر امیرالمؤمنین وجود دارد که می‌فرماید:

«ما رأيت شيئاً إلا و رأيت الله قبله أو بعده أو معه»

شخص در این مرحله باید خود را هم مظهر اسماء و صفات الهی بداند. اگر شخص، علمی دارد، باید علم خود را سایه‌ای از قدرت الهی بداند. اگر شخص قدرتی دارد، باید قدرتش را سایه‌ای از قدرت خداوند بداند. شخص باید حرکت و حیات و تمامی این مسائل را سایه‌ای از سایه الهی بداند. زبان شخص باید زبان الهی شود. دست و پایش باید دست و پای الهی شود.

«كُنْتُ سَمِعُهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرُهُ الَّذِي يَبْصُرُ بِهِ وَ لِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي يَنْطِشُ بِهَا»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 2،

ص 352، ح 7

عرض کردیم عمل مورد نیاز برای رسیدن به اینجا ترک گناه و معاصی است. همچنین در ادامه ما اشاره کردیم برای اینکه گناه را ترک کنیم، راه‌های زیادی وجود دارد. یکی از راه‌ها این است که انسان خدا و اهل بیت (علیهم السلام) را شاهد و ناظر خود را بداند.

امام خمینی می‌فرماید: اگر ما به حضور خداوند عالم به اندازه حضور یک کودک خردسال اهمیت بدهیم، قطعاً کار خلاقی از ما سر نمی‌زند. زمانی که کودک در کنار ما هست، حواسمان جمع است و حضور داریم و تلاش می‌کنیم کار خلاف مرتکب نشویم.

بنده در جلسه گذشته آیاتی متعددی را برای عزیزان از قرآن کریم خواندم. خداوند متعال می‌فرماید:

(أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي)

آیا او نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند؟!

سوره علق (96): آیه 14

خداوند عالم در این آیه شریفه گلابه می‌کند و می‌فرماید: آیا بندگان نمی‌دانند که خداوند آنها را می‌بیند؟!

(وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ)

و ما به او از رگ قلبش نزدیک‌تریم!

سوره ق (50): آیه 16

:9

(مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ)

هیچ سخنی را انسان تلفظ نمی‌کند مگر اینکه نزد آن فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت است.

سوره ق (50): آیه 18

قرآن را باز کنید و ببینید ما چقدر آیات داریم که خداوند عالم می‌فرماید: من بر همه کارهای شما احاطه کامل دارم.

(وَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ)

و خداوند به آنچه عمل می‌کنند احاطه (و آگاهی) دارد.

سوره انفال (8): آیه 47

قرآن کریم تنها برای خواندن نیست، بلکه برای عبرت و تعقل و تدبر است.

(وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ)

و بیشتر آنها نمی‌فهمند.

سوره مائده (5): آیه 103

و:

(كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ)

این کتابی است پر برکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبر کنند.

سوره ص (38): آیه 29

و:

(أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ)

ولی خداوند به همه چیز احاطه دارد.

سوره فصلت (41): آیه 54

عین این آیه شریفه در دو جای قرآن کریم تکرار شده است.

(وَ مَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ وَ لَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ

مُبِينٍ)

و هیچ چیز در زمین و آسمان از پروردگار تو مخفی نمی‌ماند، به اندازه سنگینی ذره‌ای و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر از آن، مگر اینکه (همه آنها) در کتاب آشکار (و لوح محفوظ علم خداوند) ثبت است.

سوره یونس (10): آیه 61

در روایت آمده است که اگر کمتر از مثقال ذره مثالی بود، خداوند عالم همان را مثال می‌زد. چیزی از پروردگار تو حتی به اندازه مثقال ذره نه در زمین و نه در آسمان و نه کوچکتر و نه بزرگتر بر خداوند پوشیده نیست. قرآن کریم می‌فرماید:

(فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ)

پس هر کس به اندازه سنگینی ذره‌ای کار خیر انجام داده آن را می‌بیند و هر کس به اندازه ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند.

سوره زلزله (99): آیات 7 و 8

اگر یک ذره مثقالی از ما سر می‌زند چه افعال خارجی ما، چه افعال قلبیه و نیت ما تماماً در محضر خداست. اگر روی همین آیات تدبر کنیم، یقیناً عمل خلاف نظر خداوند انجام نخواهیم داد.

چرا این آیه در قرآن زیاد تکرار شده است؟

مشاهده کنید این آیه چقدر در قرآن کریم تکرار شده است. بنده گمان می‌کنم ده یا پانزده مرتبه در قرآن کریم تکرار شده است. قرآن کریم می‌فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ)

خدا از (اسرار) درون سینه‌ها آگاه است.

سوره آل عمران (3): آیه 119

خداوند به آنچه از دل شما می‌گذرد و از گوشه زاویه شما عبور می‌کند، آگاهی دارد. قرآن کریم در سوره مبارکه مائده آیه 7 می‌فرماید:

(وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ)

و بیاد بیاورید نعمت خدا را بر شما.

این آیه خود به آیه شریفه:

(وَ اِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوها)

و اگر نعمتهای خدا را بشمارید هرگز آنها را احصاء نخواهید کرد.

سوره ابراهیم (14): آیه 34

دارد. سوره مبارکه مائده در ادامه می‌فرماید:

(وَ مِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ اِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا)

و پیمانی را که مؤکدا از شما گرفت آن زمان که گفتید شنیدیم و اطاعت کردیم.

ما معتقدیم که خداوند عالم در عالم ذر، ارواح را آفرید، تمام اعمال و عقاید و شرایع را بر همه ما عرضه کرد و فرمود: آیا من پروردگار شما هستم؟ همه بندگان فرمودند: بله. آیه شریفه در ادامه می‌فرماید:

(وَ اتَّقُوا اللّٰهَ)

و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید.

ما عرض کردیم معنای ساده و عوامانه تقوا، اتیان واجبات و ترک محرمات است. سوره مبارکه مائده در ادامه می‌فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ)

که خدا از درون سینه‌ها آگاه است.

سوره مائده (5): آیه 7

قرآن کریم در سوره مبارکه هود می‌فرماید:

(يَعْلَمُ مَا يَسْرُونَ وَ مَا يَغْلُبُونَ)

(خداوند) از درون و برون آنها با خبر است.

عزیزان به این آیات خوب دقت کنند. اگر ما یکی از این آیات را دائماً در شبانه روز تکرار کنیم، برای ما کافی است تا بیدار شویم. بازهم در ادامه آیه شریفه آمده است:

(إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ)

چرا که او از اسرار درون سینه‌ها آگاه است.

سوره هود (11): آیه 5

قرآن کریم در سوره مبارکه فاطر آیه 38 می‌فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ)

خداوند از غیب آسمانها و زمین آگاه است و هم او آنچه را در درون دلها است می‌داند.

سوره فاطر (35): آیه 38

قرآن کریم در آیه دیگر می‌فرماید:

(ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ)

سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است، و شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه می‌سازد.

(إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ)

چرا که به آنچه در سینه‌هاست آگاه است.

سوره زمر (39): آیه 7

قرآن کریم در سوره مبارکه ملک می‌فرماید:

(وَ أَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ)

گفتار خود را پنهان کنید یا آشکار (تفاوتی نمی‌کند).

(إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ)

او به آنچه در دلهاست آگاه است.

سوره ملک (67): آیه 13

دلیل اینکه خداوند عالم این همه روی این مسئله تأکید دارد و واژه (إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ) را دائماً تکرار می‌کند، به جهت این است که می‌خواهد ما را از خواب بیدار و متنبه کنند.

اگر دوستان کتاب «منازل السائرین» اثر «خواجه عبدالله انصاری» را بخوانند، می‌بینند که ایشان می‌نویسد: اولین منزلی که یک عارف و سالک الی الله می‌تواند طی کند، «یقظه» یعنی بیداری و تنبه است. این آیات بهترین وسیله «یقظه» و بیداری است.

ما باید قدری از خواب بیدار شویم. چنین نباشد که عمری از ما بگذرد و در خواب باشیم. وقتی از دنیا رفتیم، تازه روز بیداری ما باشد. در روایت آمده است:

«النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا»

مردم در خواب هستند و وقتی می‌میرند بیدار می‌شوند.

عیون الحکم و المواعظ، نویسنده: لیثی واسطی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسنی بیرجندی،

حسین، ص 66، ح 1673

طبق این روایت وقتی مردم می‌میرند، تازه بیدار می‌شوند و می‌فهمند تمام کارهایی که انجام دادند حساب و کتاب دارد.

«مرحوم حاج احمد خمینی» می‌فرماید: بعد از اینکه امام خمینی از دنیا رفت، من یک شب امام را خواب دیدم. امام فرمود: دستی که در دنیا تکان می‌دهید هم حساب و کتاب دارد. این چند سال ارزش ندارد که انسان زندگی‌اش را به غفلت طی کند.

چگونه به ملاقات روحی و معنوی امام زمان (سلام الله علیه) برسیم!؟

ان شاء الله خداوند به همه ما توفیق بدهد تا بیدار و متنبه و آگاه شویم. اگر آگاه و بیدار شدیم، دیگر همه چیز برای ما فراهم است. راه رسیدن به مقامات، راه رسیدن به الله، رسیدن به محضر مقدس حضرت بقیة الله الأعظم برای ما فراهم است.

در این صورت دیگر ما همواره خود را در محضر حضرت ولی عصر می‌بینیم. یک مرتبه ما می‌خواهیم ملاقات جسمی داشته باشیم، اما سودی ندارد. امثال «ابوجهل» و «ابولهب» و دیگران با پیغمبر اکرم ملاقات جسمی داشتند.

اگر لقاء معنوی و روحی باشد، در همه حال به حال ما سود دارد. اگر زنگار گناه از دل ما برود و حضرت را شاهد و ناظر خودمان بدانیم، قطعاً این ملاقات روحی و معنوی در هر حال برای ما فراهم است.

اصلاً اگر ما به آنجا رسیدیم، غیر از آنچه حضرت می‌خواهند، کار دیگری از ما سر نمی‌زند. این مسئله مستلزم این است که ما به این مرحله برسیم که خدا و ولی اش از آنچه از زوایای قلب ما می‌گذرد، آگاه باشند.

ما عرض کردیم که امام می‌فرماید: علم امام به عالم هستی از علم ما بر خودمان و علم عالم هستی بر خودش قوی‌تر و نافذتر است.

بنابراین ما باید قدری در این قضیه دقت کنیم. حضور خداوند عالم را درک کنیم، حضور ولی عصر (ارواحنا فداه) را درک کنیم و آیه شریفه:

قُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتَرُدُّونَ اِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيَنْبِئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

بگو عمل کنید، خداوند و فرستاده او و مؤمنان اعمال شما را می‌بینند و به زودی به سوی کسی باز می‌گردید که پنهان و آشکار را می‌داند و شما را به آنچه عمل می‌کردید خبر می‌دهد.

سوره توبه (9): آیه 105

را شبانه روز تکرار کنیم. زمانی که می‌خواهیم بخوابیم، این آیه را تکرار کنیم. زمانی که می‌خواهیم بیدار شویم، این آیه را تکرار کنیم. خداوند عالم و نبی گرامی اسلام و تمامی انبیاء و اولیاء الهی هم ما را می‌بینند. بنابراین اگر دقت کنیم، همه چیز روشن است.

عنایت ویژه امام رضا (سلام الله علیه) که نصیب «احمد بن ابی نصر بزنتی» شد!

«مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «عیون أخبار الرضا» جلد اول صفحه 212 روایتی نقل کرده است. بنده معتقدم اگر این روایت را هر روز چندین بار مطالعه کنند، بازهم کم است. دوستان هر روز به این روایت مراجعه کنند تا ببینند که علم ائمه اطهار به ما در چه حد و چگونه است.

«احمد بن ابی نصر بزنتی» ابتدا مسیحی بود و سپس مسلمان و شیعه شد و به یکی از اصحاب خاص امام رضا و امام جواد (علیهم السلام) تبدیل شد.

ایشان جزو اصحاب اجماع است، به این معنا که اگر سند روایت به یکی از اصحاب اجماع برسد، اگر تا آنجا روایت صحیح باشد آقایان می‌فرمایند بعد از او دیگر نیازی به بررسی سندی نیست.

«لا یروون ولا یرسلون إلا عن یوثق به»

العدة فی أصول الفقه، نویسنده: الشیخ الطوسی، ج 1، ص 154، فصل 5

ایشان که یک چنین شخصیتی دارد، می‌گوید:

«بَعَثَ الرَّضَا عِ إِلَى بِحَمَارٍ فَرَكَبْتُهُ وَ أَتَيْتُهُ»

روزی امام رضا مرکبی برای من فرستادند و من سوار شده نزد حضرت رسیدم.

دقت داشته باشید این هم عنایتی ویژه است که امام زمان یک شخص بخواهد که این شخص خدمت آن حضرت برسد.

افراد بسیاری پشت در خانه امام می‌آمدند و التماس می‌کردند، اما حضرت در را برایشان باز نمی‌کرد، اما «احمد بن ابی نصر بزنطی» می‌گوید: حضرت خود مرکبی فرستادند تا خدمت ایشان برسم.

«فَأَقَمْتُ عِنْدَهُ بِاللَّيْلِ إِلَى أَنْ مَضَى مِنْهُ مَا شَاءَ اللَّهُ»

ما شب در محضر امام رضا بودیم تا اینکه پاسی از شب گذشت.

«فَلَمَّا أَرَادَ أَنْ يَنْهَضَ قَالَ لِي لَا أَرَاكَ تَقْدِرُ عَلَيَّ الرَّجُوعِ إِلَى الْمَدِينَةِ»

زمانی که حضرت می‌خواستند برخیزند، به من فرمودند که گمان نمی‌کنم بتوانی به مدینه مراجعت کنی.

ظاهراً محل زندگی «احمد بن ابی نصر بزنطی» با محل زندگی امام رضا فاصله داشت.

«قُلْتُ أَجَلُ جُعِلْتُ فِدَاكَ»

من عرض کردم: بله جانم فدایتان باد.

«قَالَ فَبِتْ عِنْدَنَا اللَّيْلَةَ وَاغْدُ عَلَيَّ بِرَكَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»

حضرت فرمود: امشب را نزد ما بخواب و با برکت خداوند به صبح برسان.

«قُلْتُ أَفْعَلُ جُعِلْتُ فِدَاكَ»

بنده عرض کردم: همین کار را می‌کنم فدایتان شوم.

«قَالَ يَا جَارِيَةَ أَفْرَشِي لَهُ فِرَاشِي وَ اطْرَحِي عَلَيْهِ مِلْحَفَتِي الَّتِي أَنَا فِيهَا وَ ضَعِي تَحْتِ رَأْسِهِ مِخْدَتِي»

حضرت به خادمه شان فرمود: ای جاریه! بستر خواب مرا برای وی بگستر و ملحفه مرا که در زیر آن می‌خوابم برای او بستر بیفکن و بالش مرا هم زیر سر او بگذار.

«قَالَ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي مَنْ أَصَابَ مَا أَصَبْتُ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ لَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِي مِنَ الْمُنزِلَةِ عِنْدَهُ وَ أَعْطَانِي مِنَ الْفَخْرِ مَا لَمْ يَعْطِهِ أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِنَا»

من با خود گفتم: کیست که دارای این مقام و منزلت که امشب نصیب من شده باشد؟ خداوند در نزدش مقامی به من عطا فرمود که به احدی از اصحاب ما عطا نکرد.

«بَعَثَ إِلَيَّ بِحِمَارِهِ فَرَكَبْتُهُ وَ فَرَشَ لِي فِرَاشَهُ وَ بَثَّ فِي مِلْحَفَتِهِ وَ وُضِعَتْ لِي مِخْدَنُهُ مَا أَصَابَ مِثْلَ هَذَا أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِنَا»

حضرت مرکب خود را فرستاد تا سوار شوم، فراش خود را گسترده تا در لحاف و بالش آن بزرگوار شب را به روز رسانم. تاکنون به احدی از اصحاب ما این چنین سعادت نصیب نشده است.

«قَالَ وَ هُوَ قَاعِدٌ مَعِيَ وَ أَنَا أُحَدِّثُ نَفْسِي»

احمد گفت: من نشسته بودم و این خیالات را در دل می‌گذراندم و آن بزرگوار در کنار من بود.

«فَقَالَ ع لِي يَا أَحْمَدُ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ اتَى زَيْدَ بْنَ صُوحَانَ فِي مَرَضِهِ يَعُودُ فَأَفْتَحَرَ عَلَى النَّاسِ بِذَلِكَ»

حضرت ناگهان فرمود: ای احمد! وقتی زید بن صوحان مریض بود، امیرالمؤمنین به عیادت او رفتند و زید این را سبب افتخار خود می‌دانست و بدان وسیله بر مردم فخر می‌کرد.

مراد حضرت این بود که خوابیدن در خانه امام و داخل رختخواب امام و زیر پتوی امام و سر گذاشتن روی متکای امام فخر نیست. فخر، عبودیت و بندگی در برابر خداوند عالم است. قرآن کریم می‌فرماید:

(إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ)

ولی گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.

سوره حجرات (49): آیه 13

حضرت در ادامه فرمودند:

«فَلَا تَذْهَبَنَّ نَفْسُكَ إِلَى الْفَخْرِ وَ تَذَلُّ لِيْلَهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اعْتَمَدَ عَلَى يَدِهِ فَقَامَ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

پس تو این کار را نکن و از برای خدا تواضع و کوچکی نما. حضرت سپس تکیه بر دست خویش دادند و از جای برخاستند.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج 2، ص 212، ح 19

در دعاها و عبارتهای امیرالمؤمنین آمده است:

«إِلَهِي كَفَى لِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَ كَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا»

خدایا بالاترین عزت برای من این است که خدای من تو هستی و بالاترین افتخار من این است که من بنده تو هستم.

الخصال، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، ص 420، ح

14

دوستان اگر ما به این مرحله رسیدیم به طوری که عزت و ذلت را در عبودیت خداوند عالم و معصیت خداوند دیدیم، در حقیقت قدمهای اول را برداشتیم. اگر به اینجا نرسیدیم، باید قدری فکر کنیم.

عزیزان جوان! تا دیر نشده، بار و بنه را بسازید

عزیزانی که جوان هستند و قلبشان صاف است و گناه کمتر در قلبشان نفوذ کرده است، روایات و آیات سریع‌تر در دلشان اثر می‌گذارد و زود بیدار می‌شوند و با سرعت زیاد به کمالات حرکت می‌کنند و زودتر از کسانی که سن بالاتری دارند به کمالات می‌رسند.

عزیزان مخصوصاً جوانان ما دقت کنند که بیدار شدن همان و حرکت به طرف خداوند عالم همان!

مادامی که این گناهان در قلب ما اثر منفی نگذاشته و قلب ما را سیاه نکرده است، می‌توانیم با مناجات شبانه و گریه‌های در دل شب و توسل به ساحت مقدس حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) مقدمات پرواز به طرف خداوند فراهم کنیم.

مدتی که از عمر ما گذشت و سن ما بالا رفت و اراده‌هایمان متزلزل شد، دیگر امکان پرواز برای ما نیست و دیگر امکان حرکت به طرف الله از ما سلب می‌شود. شاعر می‌گوید:

در جوانی توبه کردن شیوه پیغمبری است

ورنه هر گبری به پیری می‌شود پرهیزکار

زمانی که ما جوان بودیم و می‌توانستیم گناه و معصیت کنیم، اما گناه نکردیم هنر کردیم. زمانی که پیر شدیم و دیگر کاری از ما ساخته نیست و شروع به استغفار کردیم، دیگر آن استغفار ما را از محلمان حرکت نمی‌دهد و دیگر مایه پرواز ما نخواهد شد.

گرچه استغفار در هر حالی مفید است، اما این استغفار در جوانی تأثیراتی دارد که در زمان پیری ندارد.

بنابراین قدر جوانی را بدانید و در جوانی حرکت کردن به طرف الله و حضرت ولی عصر را آغاز کنید و تا دیر نشده بار و بنه را بسازید. اگر در جوانی تقوای لازم را به دست آوردید، دیگر لغزشی برای شما نیست.

اگر در جوانی توجه نکردیم و گناه و معصیت کردیم و قلبمان را زنگار گناه گرفت، زمانی که به سنین بالاتر رسیدیم کسالت از یک طرف و دردهای اعضا و جوارح و بیماری‌های مختلف از طرف دیگر، به ما حال دعا و مناجات و گریه را نمی‌دهد.

(خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ)

خدا بر دلها و گوشهای آنان مهر نهاده، و بر چشمهای آنها پرده افکنده شده، و عذاب بزرگی در انتظار آنها است.

سوره بقره (2): آیه 7

بنده به همین مقدار اکتفا می‌کنم. در این فرصت باقیمانده اگر دوستان سؤالی دارند، بفرمایند ما در خدمتشان هستیم.

موفق و مؤید باشید. خداوند عید شما را هم مبارک بگرداند و همه را موفق بدارد و بهترین عیدی که توفیق رسیدن به تقوا و کمالات عالیه است را برای همگان فراهم بفرماید.

ما همه را دعا می‌کنیم و تقاضا داریم که دوستان هم ما را دعا کنند. یکی از دعاهای ماه مبارک رمضان این است:

«وَ قَاتِلًا فِي سَبِيلِكَ فَوْفُقُ لَنَا»

إقبال الأعمال، نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، ج 1، ص 61، فصل فیما نذکره من دعاء الافتتاح

و غیره من الدعوات آلتی تتکرر کل لیلۃ إلی آخر شهر الفلاح

یکی از بهترین عاقبت بخیری شهادت در راه خداوند متعال است. ان شاءالله از خداوند متعال بخواهید آخر زندگی‌تان را ختم به شهادت در راه او و در راه دفاع از اهل بیت عصمت و طهارت (سلام الله علیهم اجمعین) قرار بدهد.

ما در همین جا جلسه را تمام می‌کنیم و از همه عزیزان هم التماس دعا داریم. همچنین از اساتید بزرگوار جناب آقای مهدوی عزیز که زحمت می‌کشند تشکر می‌کنیم. ان شاءالله باشد که زحمات همه ما مورد رضایت اهل بیت باشد.

قرائت قرآن توسط امیرالمؤمنین در حین تولد؛ ده سال قبل از نزول قرآن!

پرسش 1:

قرآن کریم بعد از بعثت پیغمبر اکرم نازل شده است. حال چگونه علی بن ابی طالب ده سال قبل زمانی که به دنیا می‌آید قرآن می‌خواند؟!

پاسخ:

برادر بزرگوارم! من از شما سؤال می‌کنم روایتی که در رابطه با حضرت آدم هست که می‌فرماید:

(فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ)

سپس آدم از پروردگار خود کلماتی دریافت داشت (و با آنها توبه کرد) و خداوند توبه او را پذیرفت.

سوره بقره (2): آیه 37

شیعه و سنی حتی «ابن تیمیه» هم نقل کرده است زمانی که حضرت آدم از بهشت بیرون آمد، خدا را به حضرت محمد و امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین سوگند داد.

اگر قرار است قرآن کریم بعد از بعثت پیغمبر اکرم نازل شده باشد یا خلقت خمسه طیبه بعد از رسول گرامی اسلام باشد، حضرت آدم از کجا می‌دانست که باید خدا را به حضرت محمد و آل محمد سوگند بدهند؟! بنده تنها روایتی از پیشینه ولایت به عزیزان نشان می‌دهم. «ابن عساکر» در کتاب «تاریخ مدینه دمشق» جلد 42 صفحه 241 ذیل آیه شریفه 45 از سوره مبارکه زخرف:

(وَ سَأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا)

از رسولانی که قبل از تو فرستادیم بپرس.

سوره زخرف (43): آیه 45

مطلبی آورده است. دقت داشته باشید بین حضرت عیسی آخرین پیغمبر قبل از رسول گرامی اسلام با حضرت پانصد یا ششصد سال فاصله بوده است.

(وَ سَأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا)

ما می‌خواهیم ببینیم قضیه این آیه شریفه چیست. ما در کتب شیعه الی ماشاءالله روایاتی در این زمینه داریم. اهل سنت هم معتقدند این آیه مربوط به معراج است.

پیغمبر اکرم در معراج نماز جماعت خواندند و صد و بیست و چهار هزار پیامبر الهی هم به حضرت اقتدا کردند. جبرئیل نازل شد و فرمود:

(وَ سَأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا)

از رسولانی که قبل از تو فرستادیم بپرس.

رسول گرامی اسلام فرمود: چه بپرسم؟ جبرئیل عرضه داشت که بپرس:

«علی ما بعثوا»

هدف بعثت شما چه بوده است؟

«قال قلت علی ما بعثوا»

پیغمبر اکرم می فرماید که من گفتم: هدف بعثت شما چه بوده است؟

«قال علی ولایتک وولاية علی بن أبی طالب»

همه پیامبران جواب دادند: هدف بعثت ما ولایت تو و ولایت علی بن أبی طالب بوده است.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - 1995، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج 42، ص 241، ح 9519

این قضیه کاملاً روشن است. بنده عرض کردم که معرفت ما نسبت به ائمه اطهار قدری ضعیف است. اول ما خلق الله، خمس طیبه و ائمه طاهرین (سلام الله علیهم اجمعین) هستند. قبل از اینکه خداوند متعال جبرئیل و میکائیل و اسرافیل را بیافریند، اهلیت عصمت و طهارت را آفریده است. در متن زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«خَلَقَكُمُ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَكُمْ بَعْرَ شِهِ مُخْدِقِينَ»

خداوند عالم شما را نوری آفرید که در کنار عرش الهی مشغول تسبیح و تقدیس الهی بودید.

من لا یحضره الفقیه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، ص 613، ح 3213

امام خمینی (رضوان الله تعالى عليه) در کتاب «مصباح الهدایة» حدیث رضوی را در بیش از دوازده صفحه شرح داده که در رابطه با خلقت نوری اهل بیت (علیهم السلام) است. مشاهده کنید جایگاه اهل بیت کجاست و ما در کجا هستیم.

یکی از مشکلات ما این است که به اهل بیت (علیهم السلام) متوسل می‌شویم، اما آن بزرگواران را نمی‌شناسیم. ما از خداوند حاجت می‌خواهیم، اما خداوند را هنوز نشناختیم.

نقل شده است شخصی از امیرالمؤمنین سؤال می‌کند چرا علی رغم اینکه ما این همه دعا می‌کنیم، اما دعای ما به اجابت نمی‌رسد؟! حضرت می‌فرماید: شما از خداوندی مسئلت می‌کنید که او را نمی‌شناسید و شناخت خدا برای شما فراهم نشده است.

بنابراین جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) بحث دیگری است. در کتاب «مجموع الفتاوی» اثر «ابن تیمیه» جلد 2 صفحه 95 مطالبی در خصوص خلقت نوری ختمه طیبه (سلام الله علیهم اجمعین) مطالبی بیان شده است.

در اینجا آمده است که مردم «ابن تیمیه» را در زمان حیاتش مرتد می‌دانستند. در زمان حیات «ابن تیمیه» اختلافات زیادی وجود داشت، به طوری که ایشان بعضی از مسائل همانند توسل را انکار می‌کرد.

البته ایشان توسل را به سه قسم تقسیم می‌کرد، به طوری که دو قسمت را قبول و یک قسمت را رد می‌کرد. او همچنین نسبت به رسول گرامی اسلام جسارت‌هایی داشته است، به همین دلیل او را محاکمه و زندانی کردند.

امروزه نود درصد اهل سنت زمانی که اسم «ابن تیمیه» را می‌آورند، او را (رحمه الله) خطاب می‌کنند. در حال حاضر فرصت توضیح این مباحث نیست. در فرصتی مناسب زمانی که خواستیم در رابطه با شبهات بحث کنیم، در این زمینه توضیحاتی بیان خواهیم کرد.

اگر به سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» هم مراجعه کنید، ما در رابطه با توسل و تقسیم بندی‌هایی که اهل سنت دارند مطالبی قرار دادیم.

تعدادی از بزرگان اهل سنت نظیر «سمهودی» و «ابن حجر هیثمی» و مفتی مکه مکرمه «ابن تیمیه» را تکفیر کردند که البته تعداد انگشت شماری از اهل سنت هستند.

دلیل مخالفت و دشمنی با حضرت ابوطالب (علیه السلام) چیست؟!

پرسش 2:

چرا برخی افراد با حضرت ابوطالب مخالفت و دشمنی می‌کنند؟! دلیلشان چیست؟!

پاسخ:

این افراد می‌بینند که پدر ابوبکر و پدر عمر بن خطاب و پدر عثمان کافر و بت پرست بودند، به همین خاطر راهی ندارند جز اینکه بگویند پدر علی بن ابی طالب هم کافر بوده است.

این مسائل همگی در زمان بنی امیه (لعنت الله علیهم اجمعین) رواج پیدا کرد و بعد از آن هم ادامه کار در زمان بنی عباس مطرح بود و روایاتی در این زمینه ساختند.

حضرت ابوطالب از رسول گرامی اسلام دفاع و جهاد می‌کرد. جهاد تنها با شمشیر نبود، بلکه حضرت ابوطالب با قدرت و اشعارشان از پیغمبر اکرم دفاع می‌کردند.

حضرت ابوطالب علی رغم اینکه سید بنی هاشم و سید قریش بودند و شخصیت والایی داشتند، به خاطر دفاع از رسول گرامی اسلام سه سال در شعب ابی طالب در محاصره شدید بودند.

یکی از علمای بزرگ اهل سنت می‌گوید: در زمانی که حضرت ابوطالب و امیرالمؤمنین در شعب ابی طالب بودند، خلفا در کنار خانواده خود در خواب به سر می‌بردند.

دیگر صحابه چقدر برای حضرت ابوطالب احترام زیادی قائل هستند، زیرا آن بزرگوار با تمام توان از رسول گرامی اسلام حمایت می‌کردند.

بنی امیه نمی‌توانند حمایت و اشعار و تلاش‌های شبانه روز حضرت ابوطالب را انکار کنند، به همین خاطر سعی می‌کنند شخصیت آن بزرگوار را تخریب کنند.

بعد از وفات حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه، در مکه عرصه بر رسول گرامی اسلام تنگ شد و نتوانستند در مکه بمانند و سریع به مدینه هجرت کردند.

«نعثل» یک شخص یهودی بود که ریش بلندی داشت. هرکدام از افراد که انسان بدی می‌شد، او را «نعثل» خطاب می‌کردند. این ضرب المثلی بود که هرگاه می‌خواستند کسی را تحقیر کنند، او را «نعثل» خطاب می‌کردند. عایشه هم به عثمان گفت:

«اقتلوا نعثلا قتل الله نعثلا»

النهاية في غريب الحديث والأثر، اسم المؤلف: أبو السعادات المبارك بن محمد الجزري، دار النشر: المكتبة العلمية - بيروت - 1399 هـ - 1979 م، تحقيق: طاهر أحمد الزاوي - محمود محمد الطناحي، ج 5، ص 79، باب النون مع العين

ان شاء الله خداوند به همه شما عزیزان توفیق عنایت کند. از همه شما التماس دعا داریم. ان شاء الله عزیزان در شب جمعه و شب مبعث ما را هم دعا بفرمایند.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته